

## رویکرد سیاست خارجی روسیه از سال 1991 تا 2011

احمد بخشایش اردستانی

استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت 91/9/18 - تاریخ تصویب 92/3/26)

### چکیده

چرچیل نخست وزیر وقت انگلیس در 1939 چنین ابراز نمود که "اقدامات روسیه قابل پیش بینی نیست. چون روسیه معمایی است که به طور اسرار آمیزی در یک راز پیچیده است". برخی از نخبگان سیاسی ایران نیز روسیه را متحد غیر قابل اعتماد معرفی می نمایند که تا حد زیادی نشان و ترجمانی از گزاره چرچیل در فرهنگ ایرانی است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991، و تولد روسیه، اندیشه و رویکرد این کشور در بعد سیاست خارجی از سه دوره عبور نموده است. این دوره ها عبارتند از "رویکرد همکاری با غرب"، "رویکرد ادغام گرایی در غرب" و نهایتاً سیاست نگاه به شرق که در قالب "رقابت جدید" با غرب در سال 1999 پس از مداخله نظامی ناتو در یوگسلاوی سابق و به بازی نگرفتن روسیه در آنجا ادامه می یابد.

مقاله حاضر کنکاشی است در مورد سیاست خارجی روسیه و دوره های مختلف آن که خواهان شناسایی خود به عنوان قدرت دوم جهانی از سوی غرب می باشد. غرب و در راس آن ایالات متحده آمریکا علاقه ای به شناسایی روسیه به عنوان قدرت دوم جهان ندارد و این نقش را به رسمیت نمی شناسد.

**واژگان کلیدی:** روسیه، پوتین، سیاست نگاه به شرق، ادغام گرایی در غرب، رقابت جدید

### مقدمه

نگر شجید حاکمبر سیاست خار جیروسیه جدید را باید ادامه همان «اندیشه سیاست

خارجی» دوران گور باچفدانست. بهنظر میرسد باکنار گذاشتن کاملاً ایدئولوژی کمنیستی و نقش جهانی شوروی، سیاست خارجی مسکو دچار تحولی اساسی گردید. از ایوانخوفا پتر کبیر و از کاترینتاالنینو استالین، پارادایم دولتمداری و سیه هموار هدر بردارنده دهه عنصر اساسی بوده است این سه عنصر عبارتند از: برتریا هدا فامنیتملیو سیاست خار جیبر توسعه اقتصادی، سیاسیو اجتماعیدر داخل؛ یکجزء قویوگاهالمو عودگر اییایدئولوژیک (از روسیه به عنوان «روم سوم» تاپاناسلاویسمو نهایتاً «سوسیالیسم جهانی»)

باتفکر جدید سیاست خار جیگور باچفوبهویژ هدر سالهای نخستین ساز فر و پاشی، بهنظر میرسد که هدر تماماً این عناصر تجدیدنظر صورت گرفته باشد. این نخستین بار پس از سال 1914 بود که روسیه خود را در جنگ واقعی، سردی و باطنیاتیاهیچکشو ریاضت آمینمیدید.

حتی در سند تدبیر سیاست خار جی فدراسیون روسیه که از سال 1992 بر رویانکارشود در 25 ژانویه 1993 از سویوزار خار جیهبه کمیته امور بینالملل و روابط اقتصادی خار جیدوما ارائه شد، از نمودر منافع حیاتی روسیه، فقط یک مورد آن به جهان خار جمر بو طبودو حتی آنهمجنب هدا فدا شدت. سیاست خار جی روسیه، بهوسیله منافع عملیشکل می گرفتو ایدئولوژیدر آن جاینداشت. بهقول کوزیرف: «رقاتیایدئولوژیهای پایانیافتهوزمانر سیدگیبهنیازهای روسیه فرار سیده است.»

منافع حیاتی روسیه رانه جزمها و دگمهای ایدئولوژیک، بلکه منافع ملی اساسیشکلخواهد داد. از سوی دیگر، بهنظر میرسد که هشتتچهار صدساله گسترشامپراتوریه فراموشی سپرد هشتده هاستو سرانجام اینکه، کاهش عمدهایدر مخر جنظامیداد هشت، به طوریکه بودجه ارتشدر سال 1992 به 38 درصد آن در سال 1991 و سطح مخر جی سلاحه ایتمت عار فدر این سال به چهار برابر کمتر از سال پیش رسید. همچنین هزینه های دفاعیتنها پنج درصد تولید ناخالص داخلی بود. این موضوع مانگیویاتر خواهد بود که بهار قمد اقلیانزدهر صدیتولید ناخالص داخلی مانشو (Jenson, 1994, 17) ویمقایسه شود.

در فوریه 1992، یلتسینبر «تقویت جایگاه جدید روسیه در جامعه بینالمللی متمدن و تأمین کمک غرب برای اصلاحات اقتصادی» به عنوان «دو اصل اساسی سیاست خارجی

( kyun woo, 2002, 89) روسیه « تاکید کرد. کار به جای سید هبود که دستگام سیاستخارجی و اتحادیه آمریکا و دیگر کشور های غربی و عضویت در ناتو بود، چرا که از این نگاه، مسکو و واشنگتن و شریکو همکار تلقیمی- شدند که به یکدیگر در یک مسیر گامبر می داشتند. دستاورد کار ان سیاستخارجی و سید هبود این دوره، که به «بینالمللگر ایان»، «لیبرالها»، «آتلانتیکگر ایان» و «غربگر ایان» مشهورند، رفتار خارجیمو انطباقجویانهای غربی در پیشگرفتند، بهطوریکه آنقدر هکوزیر ف، وزیر امور خارجه وقت معتقد بود که «دوستیباکشور هایتر و تمدنوموکر اتیکاز همآغوشیبر ادر انهار رژیم های فقیر و استبدادیبهتر است». از نظر او، دموکراسیهای غیر بیتمدن انطبیعیبر و سیهپنداشته میشدند و روسیه میبایست وضعیتی (Balcker, 1998, 170) (کشور نر مال) و شریکقبلا اعتماد در جامعه دولتمدتر اپیداکند.

اولویتاصلی سیاستخارجی و سیه، عضویت در نهاد های غیر بیبود، چرا که این کشور بر ایمو فقیتدر اصلاحات به حمایت آن نهاد های نیاز داشت. آنها امیدوار بودند که پیوستن روسیه به نهاد های بینالمللی، به انتقال هنجار های دموکراتیک به روسیه و تضمین همکاریهای چند جانبه کمک کند. به لحاظ امنیتی، این امید وجود داشت که در پایان جنگ سرد، نقش ناتو تضعیف شود و سازمان امنیت و همکاری و پادرسیر یکپارچگیبر و سیهبا غرب، نقشیکنهاده امنیتیبر تر را عهده دار شود. توجه به غیر بیبیا همیتشدن آسیا و جهان اسلام را به دنبال داشت. (کولایی، 1376، 18)

همکاریبر و سیهو غرب در این دور هبسطحی سابقه ایبر سیدور و سهاکوشیدند تا خود را به هنجار ها و قواعد نهاد های بینالمللی و به ویژه سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری و پامتعهد سازند. آنها همچنین بهادغام در اقتصاد جهانیبر مایهدار یه متگماشته و خواهان عضویت در گروه هفتکشند و صنعتی جهان شدند و در نهاد های چو نصد و قبینالمللیبول، بانک جهانی، بانکار و پایبیز سازی (Balcker, 1998, 170) و توسعه، و شور ایار و پا حضور یافتند.

### آغاز نگرانیها و شکل گیری جریانات مخالف ( 1993-95)

مسائلیچون « برنامهمشارکتبر ایصلح» توسط ناتو در سال 1994 که به منظور تقویت همکاری سیاسی و نظامی ناتو با

کشور هایتاز هاستقلالیاقتها ایجاد شد، موجب آنگر انیمسکور افر اهماورد. هر چند که هر و سها به امید تبدیلی آن به نهادی جایگزین بر ایعضویت کشور هایشور و پیشین، عضویت در بر نامهمشار کتبر ایصلحر پذیرفتند. مسکوباو جو دمخالفتها پیشدیداخالی، در جهت عضویت در ناتو به همکار بیانددر جر یانبحر انبالکا ناز 1992 تا 1995 پرداخت، اما وقتیکه در سال 1995، شر ایطعضویت در آن ساز مانا اعلام شد. روسهانا امید شدند.

پنجمعیار بر ایعضویت در ناتو عبار تبودنداز: استقرار دموکراسی، احترام به حقوق بشر، اقتصادبازار، کنترل لغیر نظامینیر و هایمسلح، و روابطخوببادولتها به همسایه و حلاختلافاتقو میدر داخل. اگر چه بر خیا عضایناتو چونتر کیهنیز از نظر معیار هایفوقدار ایمشکلاتز یادیهستند، اما اعلا مچنین معیار هایبدر اینز مانبه معنایدستر دبهسینهر و سیهبورد.

مشکلاتسیاستخارجیباغرب، بهویژ هز مانینمایانشد که تحت فشار افکار عمو میدر داخل، همک ار بیاناتو ساز مانملمتحددر یوگسلاوی (در جر یانجنگدر کرواسیو بوسنی)، بهسویتمایلبهید کشریکبر ابر با امریکاو قدرتهایبزرگار و پاییکشید هشدو در نتیجه و سیهبهستیز هو مقابلها طرحهایصلحر ویاورد. سیاستاتحادیپاناسلاویطر فدار انز یادیبیدا کرد دو مایر و سیهدر ژانویه 1994، قطعنامهایتصویب کرد که تهریمعلیهصر بستانر اردو حملاتهو اییناتو علیهصر بهار امحکوم می کرد. اما تشدید حملاتناتو علیهصر بهابهر و سهانشاندا دکهاز یکسو همکار یانها باغر بیبتأثیر استو از سویدیگر، بهافکار عمو میر و سیهها همیتداد هنمیشود.

بهطور کلی طی سالهای 1994 و 1995 اختلاف نظر در بسیار یاز مسائل حیاتی بین المللی، تأثیر مهمی بر روابط روسیه و امریکانهاد که میتوان بهر خور دمنافع دو دولت در همکار یهایدو جانبها کشر رهایخارجینز دیکو صادر اتاسلحه و تکنولوژی به کشور هایجهانسو مامشار هکرد. هماینها بهر شدقابل ملاحظه احساسات انتقادیدر خصوصر ابطهها امریکاکم کرد. در نتیجه، دلسر دیبسیار یاز محافل اصلاح طلبرا در جامعهر و سیهنسبت به دور نمایانده شد به تبلیغاتیشر یکاستر اثریک، در پیداشت. مجموعه این مسائلو موضوعات منجر به قدرتمندتر شدنجر یانانتمخالفتشد هو یلتسیندر آستانهانته

خاباتجدید ریاستجمهوری (1996)

بر ایبھودو جھدا خلی خود، ناگزیر بہر کناری کوزیر فور و پاور دن بہر چہر ہا یغیر لیبر الو محتا طدر مقابلہ بنمود۔

یکایاز مہمتر ینمنتقدانسیاستخارجیکوزیر ف، مدیر ساز ماناطلا عاتخارجی، یوگنیپر یماکفب ود۔

کوزیر فمتہمشدکھر و سیدر نتیجہسیاستہایوی، متحدان خود از دستداد ہو دیگر نمیتواند ر اوضا عہانقشتعیینکنند ہایداشتہباشد، ونیز مسکو دیگر بر ایکشور ہایخارجیتر سناکند ست۔

از نگاہ

فوق، دیلماسیر و سیدر نیمہنخستہ 90 بہدلیلانکہ تمامسیاستخود ر در و ابطناتو، آمر یکاو غر بخلاصہ کرد ہو، بیاتر و فاقد پار امر ہایمعمولیو مطلوبدنیابود۔

نادید ہگر فتالز اما تڑ ٹوپلٹیک، عدمدر کمنافعملیر و سید، آر مانیو غیر عملیو ندستور کار ہای سیاستخارجی، جہتگیر ینسبتاً مبہمو عدمدر کوتفاہمدر مور دشر یکو متحداز دیگر انتقاد اتیا ستکھر سیاستخارجی و سیدر نیمہنخستہ ہو ار دشد ہاست۔

ہمچنین، گفتہ شد ہاستکھر اینسالہا، میر اٹشور و یدر ساز مانمل متحد بہتار اجداد ہشد ہو در ذ تیجہان، ساز مانمل متحد ر ابہضمیمہسیاسیناتو تبدیلنمود ہاست۔

پس، آنچہکھاز سال 1993 در رفتار خار جیر و سیدمشاہد ہشد، نشانہ ہند ہتغیر اتیاساسیبود کہبا اصولسیاستخارجی بگر ایسالیہا یو لیہپساز فر و پاشیمتفاوتیود۔

عز مروسیدر انتقال تکنولوژی ہاینظامیو فر و شجنگافزار بہکشور ہایایران، چینو ہند، تأکید بر جدایینا پذیر بجز ایر کوریلاز روسیہ، مخالف تباگستر شناتو، اقدامات نظامیدر سر زمینہایشو روسابقہمانند آبخاز ستان، تاجیکستان، آذربایجان، مولداویو چینو مخالف تباگناتو علیہ صربستاناز مہمتر ین رفتار ہاییبود کہ غر بیہار انسبتہر و سیدہنگر انساخت۔

اہمیت یافتن خاور نزدیک (1996-98)

برگزیدن یوگنیپر یماکفبہ عنو انوزیر خار جہ، کہکار شناسمانلخاور میانہودوستنزدیکصدا محسینبود، رضایتافکار عمو میداخلر و سیدہونگر انیکشور ہایغر بیر ابہدنبالداشت۔

غر بیہاور ابہ عنو انرئیسساز ماناطلا عاتو کسیکھر جریانبحر انخلیجفار سدر بر ابر دیدگان جہانیا نصدامحسینر ادر آغوشگر فتنہبود، می شناختند۔

درواشنگتن، پریماکفیکسیاستمدار ضد آمریکایی محسوب می‌شود و این انتخاب خدمت‌تیبها مریالیسم روسی پنداشت می‌شود.  
از نظر آنها، پریماکف فدار احیای اتحاد جماهیر شوروی و احدو نظار تمسکوبر همسایگان بود.  
(Pushkov) (آنچه در ادبیات و ابیطینا الملبله عنوان «دکترین پریماکف» مشهور است.  
1998, 115

دکترین پریماکف مجموع عهده‌گذارها یا اطلاق می‌گردد که بار و یکار آمدنویاز سال 1996 مطرح گشت.

از نظر پریماکف، روسیه نباید صرفاً بهار زشهای غیربیتو جه کند، زیر ادارایموقعتی منحصربه هفر دبر حسبش ایترژئوپلتیکیوتاریخی است که ریشهدار و پوا آسیادار د.  
ویژگی اوراسیایان، روسیه را چندقومی می‌کند، چندزبانو چندمذهبیبه‌شویو های که گرایشات متفاوتی را در ر و نکشور و با همسایگان ایجاد می‌کند. از اینرو، روسیه نمیتواند از منافعو علاقوارزش-هایی که به‌طور عمد هاید متفاوت از جامعهار و پایی-امریکایی است، فرار کند.  
علاوه بر این، مطابق گرشاور آسیاگرایی، روسیه منافع مهمی در یک نظام بین‌المللی چندقطبیرای محدود کردن قدرت آمریکادارد، چرکه روسیه علاقه‌مند است که با منافع آن کشور یکسانندست.

در کنار وزیر خارجه، افراد دیگری چون الکسیار باتفوکار اگانفیز همیندیدگاه را داشتند و اینها در خلاف کمونیست‌ها و ملیگرایان اینباور نبودند که منافع روسیه را و مادر مقابل کشور های غیر بیقرار می‌گیرند، بلکه نگرانی اصلی اینها از عدم تعریف و شنم نافع‌میلر و سیه بود.

پریماکف در جستجوی یک ژئوپلتیکی چندقطبیبو دکهر و سیه جایگاه واقعی خود در کنار آمریک اودیکر قدرتها بی‌زگییابد و «سیاست خارجی روسیه در خدمت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ باشد»

دکترینا، تلاشبر ایایجادتوانقدرت در جهان و حفظ روسیه به یک قدرت بزرگو یا حداقل قدرت دوم بود. بر این سیدنیه این هدف، لازم بود که

مسکو در سیاست خارجی خود تجدیدنظر نمود و بابرقراریکنترل‌دوبار خود در جمهوریهایتنا زهاستقلال یافتهور و ابطمستحکمتری با کشور های مخالف سیاست‌های دولتامریکانظیر چین، هند و ایران و سوریه بر ایجلوگیر یاز نفوذ غرب در منطقه، ایجاد نماید. (وحیدی، 1379، 78)

همچنین و ابطنهتر باکشور هایخاور میانهو خاور نزدیکدر سر لوحهسیاستخارجی جدیدقرار گرفت. هدفانبود کهدر مقابلاتحاد آتلانتیکبهر هریامریکا، بایونندنزدیکترمیانر وسیهوقدر تهیاسیا بی، یکموز نهاور اسیا بیایجادشود.

یکدیگر از مسائلمهمیشرو ویدستگاهسیاستخارجیرو سیهدر آنزمان، مسئلهگستر شناوتوبهسد ویشرقو همسایگیبار وسیهبودو پریماکفباشعار جلوگیر یاز تحقیقاینموضوع، وار دوز ارتامو رخارجهدشو همزمانبا مخالفتاباگستر شانییمان، بهتوسعهمناسباتومشار کتباناتوپر داختر. اوبهمشکلاترو سیهدر اینرابطهاذعانداشتکه «نمیواندو نمیخواهد پیوستنکشور هایدیگر را بهعضویتناتو وتو کند، اما اینکشور حقدار ددر بار هاوزاعناگوار ژئوپلتیکیصحتکند».

در سیاستنگاهبشرق، روسیهنبهعنوانیکابر قدر تدار اییکنقشجهانی، بلکه یک «قدرت بزرگ اوراسیایی» پنداشتهد کهنقشومنافعخود در ادر منطقهاوراسیاتعریفمیکندو از بالکانتاخاور میانهوشرقآسیامحدود دهاییازیگری خود را نقطه گذاری می کند. باطرحعضویتکشور هایچک، مجارستانولہستاندر ژوئیه1997 توسعهناتو وار دمر ا حلجدیشد. اینمسئلهصر فآبهوسیلهبیانیهاصولیناتوور وسیهوتشکیلشور ایدائمناتو- (Ted.G.2001) روسیهباعث گردید تا حدودیموجباتآرامشروسهار افراهماورد. اما روسها در سال1998 از تمدید عضویت خود در « برنامه مشارکت برای (40 صلح ناتو» خودداری کردند.

در سال 1998، آمریکاباهدفمحدود کردنر وسیهدر مسیر احیاینفوذپیشین، مجموعهایاز کشور هایگر جستان، اوکراین، آذربایجانومولداویر ادرگروهیموسومبهبگوامگردآور دکهبعدآز یکستاننیز به آنپیوست. اما بامجموعهحوادثیکهدر سال1999 بهوقوعپیوست، شکافیاساسیمیانر وسیهوناتو ایجاد شد کهآندوراتامرز رویاروبینظامییشبرد. عضویترسمیسهکشور اروپایشرقی، درخواستعضویتته کشور دیگر در قالب «طرحاقدامبرایعضویت»

عملیات نظامی در یوگسلاوی در جریان بحران بوسنی و هرزیگووینا و در نتیجه مداخلت نظامی ناتو، آخرین ضرب بهر ابر تر تیبیات همکار یروسیه و ناتو فرود آورد.

### جنگ سرد جدید (1999-2000)

از میان مسائل گوناگون ناگوار در روسیه و بوسنی و هرزیگووینا، دو موضوع از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار بوده‌اند: استقلال جمهوری‌های جدا شده از شوروی سابق و اقدامات ناتو و بحث‌گسترشان. در ارتباطات نیز سه‌تحو لا ساسی‌مشاهد همیشه دک‌به سیاست ضد غربی در روسیه کم‌کم در دهه است:

بمباران مواضع غیر و های صرب، تجدیدنظر در مفهوم ماستر اثر یکناتو بر اقدام در ویرانگری شورهای عضو، و دخالتاتو در کوزوو. در واقع بحرآنکوزوو و نقطه عطف‌شدار دهند های بود که در این نخستین بار پس از جنگ سرد، روسیه و غرب خود را در دو سوی یک منازعه مسلحانه می‌دیدند. هفتاد و نه

روز بمباران گسترده‌تر صنعتی، ارتباطی و نظامی یوگسلاوی در حال تصور تگر فتنه‌های کسالی‌پیش از آن، بلگراد بر ای ایجاد اتحادیه.

ایس‌جانب‌ها از کشور های اسلاو و بامسکو و مینسک در مقابل گسترش شیپمان‌ناتو کوشید هود. در جریان بحران کوزوو، کشور های مجارستان، رومانی و بلغارستان به روسیه اجازه‌دهند اند که از ضایعات آنها استفاده کند و آنچه که مسکو از این بحران آموزشی بود که غیر حاضر نیستند و دستگیر و سیه را در بالکان بهر سمیت‌شناسد.

زمانیکه اسناد مربوط به «تدبیر امنیتی» ، «تدبیر سیاست خارجی» «دکترین نظامی» در آغاز سال 2000 منتشر شد، مفاد آن به خوبی بیان‌کننده یک‌دیگر گونیاسی بود. نیادیندر سیاست روسیه نسبت به جهان غرب بود. در مفهوم جدید سیاست خارجی روسیه، بر تلاش برای حمایت از منافع ملی جهت نیل به اهداف زیر تأکید شده است: «تضمین امنیت اقلیت‌های کشور، حفظ تقویت حاکمیت و تمامیت سرزمین، دستیابی به جایگاه محکم‌تر در ایحیث‌تندر جامعه جهانی که با منافع روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ یکی از مراکز دار اینفوژ همخوانی کامل داشته باشد. همچنین، تأثیرگذار بر فرآیند های کلی جهان‌بنا هدف‌شکل‌اند به یک نظام جهانی عادلانه و دموکراتیک، شکل‌اند به کمربند حسی که در اطراف روسیه و سیه، تشویق حذف مینه‌های تنش‌ناز عهده‌پیشگیر باز ظهور آنها در مناطق مجاور فدراسیون روسیه، و حمایت Putin، از حقوق منافعشهر و ندان روسیه و هم‌مینه‌ناز قلمرو ج. بهر طرف می‌مکن.»



(2000, 29)

در اینسند به چالشها و تهدیدهای جدید در حال ظهور نسبت به منافعمایر و سیه، و ندر شديابند هتلا شير اياي جاديک ساختار تک قطبي جهانیکهدر آن امریکانقشغالخو اهدداشت، و تأکیدیکهیر نهادها و مجامعغریبیر ایتضعیفنقششور ایامنیتساز مانمللمتحدو جودار د، اشار هرکدهاست. از ایننگاه «استراتژی اقداماتی که جان به می تو اند و وضعیت بین المللی ای بی ثبات ساز دو باعث نشو مسابقهت سلححاتیو کشمکش میان دولتهاگر دد»  
ضمنتأکید بر نظام چند قطبی، پیگیری «سیاست خار جیمستقلو ساز نده»  
بر اساس وضعیت ژئوپلیتیک و سیه به عنوانیکیز  
بزرگتر بقدرتها ی اور اسیامدنظر قرار گرفته است.  
همچنین، اولویتهای سیاست خار جیر و سیه در سطح جهانی عبار تندان:  
ساختار نظام بین المللی، امنیت بین المللی، روابط اقتصاد بین المللی، حقوق بشر و حمایت اطلاعاتی  
(Dobriensky, 2000, 135) ز فعالیت های سیاست خار جی

طبق اینسند، روسیه علاقمند به سیستم ثبات تر و ابط بین المللی بر مبنای اصول عدالت، احترام متقابل و همکاری تو امیامنا فعمتقابل است که در چنین سیستمی، ساز مانملل باید مرکز عمدت مصمم گیر و ابط بین الملل در قرن 21 باقی ماند و روسیه مخالف تلاش های سیاست کهیر ای کمکر دنقش ساز مان ملل و شور ایامنیت در امور جهانی صورت می گیر د.

### همکار یبا غریب در برابر تهدید مشترک پساز 11 سپتامبر

در حادثه 11 سپتامبر به سر ز مینا صلی آمریکاکامله شد.  
موضوعیکه از طرفواشنگتندر شمار منافع فوق العاده حیاتی قرار دارد. چرا که از سال 1813 تا کنون سر ز مینا آمریکاکه هرگز مور د حملهمستقیم قرار نگرفته است.  
بدین ترتیب، مسئله تروریسم در دستور کار امنیت آمریکاناتو قرار گرفت.  
در واقع، این حوادث با قرار دادنیک تهدید عینیو مهم در مقابل غرب، نیاز به حفظ ناتو بر ای مقابل جمعیت با آنرا بیش از پیش ضرور یساخته و نقش اساسی آنرا بر ایامنیت اینکشور های بیش از هر زمان دیگر یاشد کار می ساخت. همچنین با کنار گذاشتن روسیه از فهرست تهدیدات غرب، بهاز میانبر داشتت فاصلهمو جود میان ناتو و روسیه کمکنموده و شر ایطر ابر ایهمکار یفر اهممی نمود.  
این حوادث، روابط آنها را از یبار فشار روانیک دورتها و مشکلات سال 1999، به سو ی مقابل هتاه

(Mendelson, 2002, 170) دید مشترک یعنی تروریسم سو قداد.

پوتیندر نخستینسخنرانیخودپساز 11 سپتامبر از وجود دشمنان « جهان متمدن» یاد کرد و ضمن اعلام همدردی با آمریکا، حمایتصریح خود را از هر اقدامیکه آندولت ممکناسد تیهاجر اگذار د، ابراز داشت. در 24 سپتامبر نیز طر حیر ادر اینر ابطها اعلام کرد که بر اساس آن، تأکید شد هیو دکهمسکو در م وار دیچون «مسائل اطلاعاتی، دسترس سیه فضایکشور های آسیایمرکزی، عملیاتتجاتوجستو جوبینالمللی، و کمکهای نظامیو بشردوستانه بهگرو ههایضد طالبان» با و اشنگگنهمکار یمیکند.

از نگاهر بیها، پوتینبه دستور کار جدید امنیت بینالمللمطر حشد هاز سوی آمریکا پیوسته است. اما تفسیرر و سیهضیه آن بود که آمریکا و ناتو، سیاستهایضد تروریستیر و سیه ر ا پساز یکدههدر ککر دهاند. ر و سهدر سالهای اخیر همدر داخلمرز هایقدر اسیونر و سیهو همدر جمهوریهاییبر امو نیخودد ر آسیایمرکز یوقفقاز با استقلالخواهیگرو ههایقومیو مذهبیکه بیشتر متأثر از اسلامگر اییاقعا نستناستر و یار و بود هودر بسیار یاز مو ا ر دهس کونظامیانها پراختهاند. اما هموار هاز سویار و پاییها و آمریکاییهامور دسر ز نشقر ار گرفت هودر مو ا ر دیهمفشار هاییا ز اینناحیه متحملشد هاند (قضیهچن).

پوتینبامر دود دانستندیدگاهکسانیکه اقدامات آمریکا از نظر ژئواستراتژیکو به عنوانمر حله ایجادیدان نزدیکشدن ناتو و آمریکا به حوز هنفوذ ر و سیه تحلیلیمیکر دند و وضعیت موجود ر ا به عنوانر فرصتیجدید بر ایر و سیه در نظر گرفت. اینوضعیتجدید ر ا بر خیبه « پایان کامل آنچه از جنگ سرد باقی مانده بود » تعبیر کرد هاند.

اینبار بر خلاف نیمه نخست دهه 90، ر و سیه هاز پشتعینکاید هالیستی، بلکه باسر مشقرا ر دادننا فعلیعینیبهر بر و یاور دهاستو همکاریر و سیه - ناتو در مقابلتروریسم، بر اساس مفهومر و سیه نافع عملیدر بر خور دباگرو ههایقومیو مذهبی داخل ر و سیهو جمهوریهاییبر امو نینهفته است. بهطور کلیتحو لاتیکه پساز 11 سپتامبر 2001 در ر و ابطر و سیهو آمریکا اتفاق افتاد، فراتر از همکار یعلیه تروریسم و مسئله ناتو است.

ر و سیه به پیوندلیل، منافع خود را با غر بموازمیدید:

آسیبپذیری در مقابل تروریسم و اذیت‌های سیاسی اسلام‌هاست، ضعف و سیه‌قدرتمندی آمریکا، نیا  
ز بهر مایه‌گذار یغرب، منافع طبقاتی‌خبرگان اقتصاد و سیه، پیشینه‌فکر یو فر هنگی‌سیصد  
سالهار و پایبو دئر و سیه.

از اینرو، مجموع‌های از توافق‌ات تطبیور هپساز 11 سپتامبر میانر و سیهو آمریکا  
به عمل‌آمده و پوتین‌آرا «پایان‌واقعی جنگ سرد» نامیده‌است که بیانیه‌مشتراک سیزده  
نوامبر 2001، بیانیه‌مشتراک آمریکا و سیهو معاهده‌ها هشسلا حهایه‌ست‌های در خرداد  
1381 (مه 2002) از آنجمله‌هستند.

## پوتینو سیاستخار جیجدید روسیه

باانتخابمجددولادیمیر پوتین، بهعنوانرییسجمهور آیدهر وسیهوبایوجودمشکلاتعدیدهداخلیدر اینکشور، پوتیندر اولیناظهار نظر پساز پیروزیدر انتخابات، ازسیاستخارجیر وسیهایصدحبتبهمیانآور دکهطیفیاز تداومتغییرراتجربهمیکند. چنانچه پوتیندر اجتماعدهاهازار نفریظرفدار انخوددر میدانمانژ مسکو کهدیمتریمدو دیفر بیسجمه وریر وسیهینیز در آنحضور داشت، بدوناشار هبهنامکشور خاصیااز جنجالهایتبلیغاتیمداخله جویانهغربدر جریانکارزار هایانتخاباتریاستجمهوریکشور انتقادکرد. ویافزود: مادر مبارز هسالمو منصفانهایپیروز شدیمو ایننهنتها انتخاباتریاستجمهوری، بلکهآزمونیبر ایمر دمر وسیهوبلو غسیاسیانانبود. پوتینخاطر نشانکرد کهاینانتخاباتنشاندکههیچکسنمیتواندار ادخودرابر ماتحمیلکند. ویاضافهکرد: اینانتخاباتنشاندکهمر دمر وسیههبهسادگیقادر بهتشخیصصدسیسهایجدیدسیاسیدشمنانخودک ههدفیجزء نابوددینظامحکومتیاینکشور ر ادنبالنمیکند، میباشند. ویگفت: مردمروسیهامروز نشانداندکهاینگونهنسار یوهادر سرزمینماتحققخواهدیافت. گفتمانپوتینپساز انتخاببعنوانرییسجمهور آیدهر وسیهانشانمیدهدکهاینکشور، در دور انجدید ز مامدار یپوتینباتحو لاتگسترده- ایر وبهر وخواهدشد، همانطور کهبیشتر در سال 1999، روسیهباپوتیناً آغاز یجدیدراتجربهکرد.

روسیهپساز سال 1991 (1370) رامیتوانکشور یتوصیفکرد کهشرایط جدیددر حوزهداخلیوهمدر حوز هخارجیتجربهمیکرد. روسیهدر دور انپساشور ویباز همپاشیدگیداخلیوخارجیگذشتهمو اجهدشدهبود از دیگر سومی- بایستساختار هایجدیدبر ابرایتحرکدر عرصهخارجیایجادمیکرد. بر اینبنامجموعتحو لاتجدیدمو جیشدتاقر صتهاوتهدیدهایجدیدیپیشرویز مامدار اناینکشور قرار بگیرد.

در عرصهسیاستخارجینیز روسیه، تحولاتچشمگیر یداشتبهنحویکهدر دور انپساشور وی، سیاستخارجیاینکشور بافقدانساختار تصمیمساز یو قابلیتوتوانسناریوپرداز یمنسجم، تصمیماتجزیر هایبومنفعلانهر وبهر وشدهبود. در دور انبور یسیلنتسینسیاستخارجیر وسیهیبیشتر منفعلانهوجزیر هایعملمیکرد.

امبار ویکار آمدنو لادیمیر پوتیندر سال 1999 (1379)

به‌عنوان کفیلر یاستجمه‌ور یر و سیه، سیاستخار جیاینکشور، به‌گوناگونی‌ها همیشه دتغییر کرد.

به‌نظر بر خیکار شناسانسیاسی، تحولاتسیاستخار جیدور انپوتینر اشایدتو اندر دوسطحساخت

تاریور ویکر دیطبقه‌بندی‌کرد.

در ایندور انسیاستخار جیر و سیه‌در حوز هساختار یاز بیثباتیبه‌تثباتنسبی، از ساختار غیر منس

جمبه‌ساختار یمنسجم، تغیر رو یهداد.

در حوز هدیکر ینیز سیاستخار جیر و سیه‌بهدتبه‌سمت‌مواز نه‌ساز یمیان‌باز یگر انبینالملی‌حرک

تکر کرد.

از نگاه بر خیکار شناسان، در آغاز قر نیستویکم، و قو‌عدور خدادفضایکلانر و ابطر و سیه‌و غ

ر ب (به‌طور عام) ورو ابطر و سیه‌و آمریکا (به‌طور اخص) را دگرگون‌ساخت.

رخداد نخست، ورو دیوتین‌بهر صه‌سیاستر و سیه‌بو دکهبان‌گامیتفاو تبهر و سیه‌و توانایی‌های

نکشور به‌عنوانر بیسجمه‌ور به‌کاخکر ملین‌پای‌گذاشتور خدادو محادثه 11 سپتامبر بود که

مبینالملی‌ر اکاملاً متحول‌کرد.

امبارپایاندور انریاستجمه‌ور بیوتینور ویکار آمدنمدو دیف، سیاستخار جیر و سیه‌در ویکر د

هادچار چرخشیمتفاو تاز گذشتهدو سیاستخار جیاینکشور که پیش‌از این‌بامبنایی اور اسیاگرا

اما با تعادلی غرب محور شناخته می‌شد به یکباره با مبنایی آتلانتیک گرا»

غرب‌گرا» و تعادل‌یشر ق‌محور اجرایی‌شد.

بر ایناساسو در چین‌چار چوبی، باانتخابمجددپوتین‌به‌عنوانر بیسجمه‌ور یر و سیه، به‌نظر میرسد

دک‌هسیاست‌هایخار جیاینکشور بار دیگر تحول‌تجدیدر ابه‌خودخواهددید.

زیر اباتو جه‌بفضایمبینالملی‌جدیدو تحول‌تخر خداده، سیاستخار جیوتینر ابایستیتلفیق‌یاز اصول

گذشته‌ور ویکر ده‌هایجدیدتلقی‌کرد.

اینکپوتین‌بته‌بعیتاز گفتمانامنیتیاور اسیاگرا بیبهایتعبیر «لر دی‌الم‌ستون»

معتقد است که هر و سیه‌منافع‌ایمیدار دولیدو ستانودشمنان‌دایمیدار د بر این‌مبنا، پوتین‌ها دافکوت‌ا

هم‌دتخودر ان‌اظرب‌نظار تموترب‌فضایشور و یسابق، ممانعتاز گسترش‌نفوذمر اکز دیگر قدر

تاز قبیل‌امریکا و چین‌به‌این‌فضامتمرکز کرد هاستکه‌هاینر ویکر ددر طرح‌اتحادیه‌اور اسیاییوت

بین‌تلور یافت‌ه‌است.

همچنین، پوتیندر سیاستخار جیخودتلاشمیکند تا مفه‌و مچند‌جان‌بهر‌گرا یر اب‌ه‌جای‌چند‌قطب‌یدر اد

بیاتر اهر دیبیناالملیتقویتنمایدچرا که در یکفصایچندجانبهگر افر صنتبر اینقشآفر ینیر و سیهید شاز گذشتهخواهدشد.

ویدر اینر استافضاینو ینیر ایهمکار بیائنتلافخر بوساز و کار هایفر آتلا ننتیکیر ایدستگاه- هایتصمیمساز اهر دیر و سیه، باز تعریفکردهاست. شاهد بر مدعا را می‌توان در قضیه سوریه دید. به هنگامی که در سال 2013 ایالات متحده آمریکا، سوریه را به اتهام استفاده از سلاح شیمیایی بر علیه مخالفان خود تهدید به هجوم موشکی نمود. روسیه به طور جدی در مقابل آمریکا ایستاد.

بهگز ار شمنابعخبری، در سنددکتر ینسیاستخار جیر و سیهکدر جولای 2008 (تیر 1387) تصویریکیاز اولویتهایاصلیسیاستخار جیاینکشور مقابلهبایکجانبهگر اییواقدامدر فضاچندقطبیتعریفشدهاست. در اینجاچو بشایدتوانولویتهایسیاستخار جیر و سیهدر دور انجدیدپوتیندر اصول نیلخالصهکرد:

1- افزایشنقشر و سیهدر روندحلولفصلمسایلبینالمللی

2- تغییر جهتگیر سیاستخار جیر و سیهاز غرب (اروپا و آمریکا) به سمتشرق (منطقه اوراسیا، آفریقا و آمریکایلاتین)

3- عبور از مفهوم دشمندر سیاستامنیتیو خار جیو استفادهاز مفاهیمرقابتو همکاریدر برابر غرب

4- کنار گذاشتنمفهوم نظامتکقطبواصلتدادن بهچندجانبهگر ایبینالمللی

5- مشارکتفعالر و سیهدر چارچوبنظمنوینجهانیو ممانعتاز الگوهایرفتارییکجانبهگرا

سیاستخار جیر و سیه اگر چهردهه گذشتهها فر از ونشیبهایبسیاریمو اجه بوده، اما به طور حتم نمیتواننقشپوتینبه عنوانقوامدهند هسیاستخار جیدیدر و سیه از نظر دور داشت. در واقعپوتیندر ساختار ساز سیاستخار جیر و سیهپساشور و بیسیار فعالبوده است. در چنینچارچوبسیاستخار جیر و سیهتوانستبامانور بیشتر ینسبتبه گذشتهها اقدامکرده و قابلیتتطابقبر اساسروندهایبینالمللیرا پیدا کند.

به نظر می-

ر سدر و یکار آمدن مجدد پوتین در روسیه و صیغه صندوبار های ابر ایویفر همگردها ستانها هم مانهم از غرب دور یکرده و هم از منافع حاصل از همگرایی اندر عرض سیاسی ستار جیو معادلات منطقه هایوفر امنطقیهایهر هلاز مر ابررد. به عقیده کارشناسان و ابطینا الملل، رویکرد دو اگر ایو استقلال و سیهدر نقاط مورداختلاف باغ رب، سطح فو ذاین کشور را در عرض صهینا المللیا فز ایشمی بخشد.

### اوراسیا گرای، ایرانو سیاستخارجی و سیه

اوراسیاگر این نظر به مشهور در سیاستخارجی و سیهاست که از دیر ایام بر رویکرد هاورفتار ه ایمسکو در این حوز هتأثیر داشته است. هوادار ان این نظر یه با تأکید بر هویت متمایز روسیه از شرق و غرب، بر این مهم تأکید دارد که همسک و باید مواضع مستقلانه ای در عرض صهینا المللی بگیرد و ابط باکشور های شرقی و غربی ابر اساس این هویت متمایز بنا کند. در این میان، از ر و ابط باکشور های مختلف خاور میانه از جمله ایران نیز حمایت میشود. موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس) بر این تطبیق هر چه بیشتر این نظر یه و جایگاه های اندر آن، گفتگوی ابا الکساندر گلیوچدوگین، فیلسوف مشهور و سیاستمدار روسو هبر «جنشینا المللیا و اوراسیا گرای» در این کشور، تر تیب داده که خلاصه آن در ادامه نظر میگذرد.

اوراسیاگر ایی کفلسف سیاسی است که در ایس هسطح خار جی، میان یو داخلی باشد. در سطح خار جی جهان چند قطب است. بدان معنی که چندین مرکز جهانی تصمیم گیری وجود دارد، که یکی از آنها اوراسیا است. منظور از اوراسیا تنها روسیه نیست بلکه روسیه به همگراکشور های شرقی و سابق می باشد. در سطح میانی همگرایی کشور های شرقی و سابق در ایجاد مدل فراملی (دولت های مختلف) است. در سطح سیاست داخلی هم معنای ساختار سیاسی جامع که به عنوان از شدت ارتباط حقوق شهر و ندی مدلیبر الوملیگر ایبرر سیمیشود. این سه سطح فلسفه اوراسیاگر ایی است که بر مبنای آنها تتهای کشکلی سیاستخارجی شکل میگیرد که تها و تباجه انیشن، جهانتک قطبی، ملیگری، امپریالیسم و لیبرالیسم دارد. (دوگین، 1391،

از نقطه نظر جهان چند قطبی، در تئور یا اوراسیاگرایی، ایران نقش کلیدی دارد. پس از انقلاب اسلامی ایران، از نظر جایگاه استراتژیک ایران، این کشور در ایجاد فضای مستقل و اوراسیاگرایی نجات داده است. اگر قبلاً میان ایران و سیهدرگیر بود، داشت و طرفین مسائل فیمابین را با جنگ حل می کردند، امروز مسائل موجود تنها از طریق اتحاد صلح آمیز و استراتژی یکپارچه فصل می شوند. به این مفهوم که مسکو و تهران امروز مسائل را با هم حل می کنند که قبلاً از طریق نظام نیز حل می شد. منافع ما با یکدیگر همپوشانی کامل استراتژیک دارند. این روند نه از طریق همگرایی، بلکه از طریق اتحاد استراتژیک محقق می شود. ایران شامل همگرایی اوراسیاگرایی می شود و تنها کشورهایی که حوز هشور و بی سابقه این گروه را دارند می شوند. ایران یک تمدن خاص، یک کشور قدرتمند و مستقل است که باید محترم شمرده شود. این اتحاد را باید حفظ کرد، مانع از یکدیگر می شود که این امر را فراموش نکنیم، ایران در حوز همگرایی اوراسیاگرایی نیست، بلکه این امر را میسر می کند که جهان چند قطبی است. منافع استراتژیک ما در آسیای مرکزی و به طور کلی حوز منطقه ای به طور کامل همپوشانی دارند. به این ترتیب جایگاه ایران در مدلاوراسیاگرایی چند قطبی مرکزی است و در این مدل، تهران از دیگران پیشتر می رسد. البته شراکت با ترکیه، چین و هند نیز پیش بینی شده است.

## روسیه و ساختار نظام بین الملل

تلاش روسیه در دوره پوتین برای مکانیابی بهتر و بالاتر در ترتیب نظام بین المللیتر، همانیاز نوعی داشته خبگانای کشور از چگونگی ساختار نظام بین المللی پس از جنگ سرد و آرمان تبدیل روسیه به قدرتی بزرگ است. روسیه از ابتدای دهه نود میلادی از جمله در دوره پوتین نظام تک قطب را به عنوان اصل سازماندهنده نظم بین المللی برسمیت شناخت و تثبیت آن را با منافع خود درازیا می کرد. بر این نمونه، پوتین با سخنرانی در کنفرانس امنیت و نیخدر دی 1386 (فوریه 2007) یک جانبه گرایی آمریکا و تلاش آن برای تثبیت نظام تک قطب را به چالش کشید و استقرار این نظام را منتهی به غیر قابل پذیرش، بلکه در شرایط موجود غیرممکن دانست.

پوتین دولت مردان و نظام تک قطب را وضعیتی موقوت و ناپایدار میدانستند، که با وقوع تحولات و ائتلاف های جدید در سیستمی ظهور مرکز جدید قدرت از جمله اتحادیه اروپا، چین، هند و روسیه با سانس به چالش کشید و شد و در نیمه گذشته که هم از نه قدرت به شکل جدید برقرار می شد. اما به باور آن



ها، تا شکلگیرینظمحاکم "تکقطبیمتکثر"<sup>1</sup> و یا "شکلمتعدالیز تکقطبی"<sup>2</sup> بود. پوتینبادر نظر داشتضعفهای روسیههدفمهایکشور رادر دور هگذار بهنظمجدیداجتناباز بهچالشکشیدننظم تکقطبیوحتی تلاشبر ایحفظثباتآمنیدانست، اما تأکیدمیکرد کهمسکو بایدهمزمانگر ایشبهتکثر در اینسیستمراشویقوتمایلبهتثبیتنظم تکقطبیر اگاهشدهد.

پوتینمانندبر خیواقعگرایانروسبهر قابتتوامباتنشوبهسانبعضیاور آسیاگر اهابهر ویاروبیحت می،طبیعیو غیر قابلاجتنابدر روابطآتیروسیهو غرمعتقدنیودبلکهپارویکریعملگر ایانهپرتریآمریکابهعنوانتنها بر قدر تدر نظام تکقطبیمتکثر را پذیرفت. اوهمزیستیوانطباقدوسویهوتدر یجیروسیهو غریدر سیستمجهانیاممکندانست. پوتینبر اینمهمتأکیدداشتکهپارو جودپافشاریمسکو بر اهمیتتفاوتهایفر هنگیو تمدنیخود، انتخاب سازگار بیالزاماتمحیطینالمللیامریناگزیر است. بهاعتقاد او، مسکوباید متناسبباتغییر هایچار یواتیدر ساختار نظامینالمللکهسببتغییر در ماهیو تنهیدهاو فر صتهاشدهوخواهدشد، در موقعیت، اهدافوساز و کار هایسیاستخارجیخودتجدیدنظر کردهوباشرایطوالزاماتجدیداینساختار سازگار شود.

#### ایده چندجانبهگرایی و روسیه

چندجانبهگراییبهعنوانراهحلنظریو عملیسیاستخارجیروسیه پسا شوروی، باهدفتأکیدبر نقشوتثبیتجایگاهاینکشور در نظامبینالمللمطرحوبهعنوانعنصر ضروریرفقار اهریودیاموردتوجهقرار گرفت. اینایدهبازتابنگاهروسیه بهنظمبینالمللساز جنگسردونتیجهدر کچگونگیضمینجایگاهآندر ایننظم، ضمنتوجهبهکاست بیایمنابعسیاستخارجیو تغییر هایاساسیایجادشدهدر موقعیتنهادیو بینالمللیانبود. مفهوم «جهانچندقطبی» بهویژهباتأکیداتریماکو قدر ادبیاتدیپلماتیکروسیهرواجیافت.

از نظر او، روسیهدر نظامچندقطبیبهعنوانیکیز مهمترینقطبها در جایگاههیبرابر باآمریکا، اتحادیهاروپا، چینوژاپنقرار داشتو باوجودضعفاقتصادی، عضویتدائمدن شورایامنیتوتوانمند دیهایوسیعهستهایاندلیلیبر و جاهتایمنموقعیتبود.

---

<sup>1</sup>Pluralistic unipolarity

<sup>2</sup>Moderate unipolarity

پوتیناید چندجانبه‌گر انیر ادر چهار چو بیجدید، بهویژ هپساز آغان جنگر اقوباتو جهبه‌تحو لاتجدید عر صهبیناالمللاز جمله‌اصر ار آمر یکابر اینتیبیتنظامتکطبی، موجودو مگستر شنا‌تو بد هشرق، کاهشنقشساز مانملو به‌علتنبو دتو جهقدر تها یغر بیبه‌ملا حظاتم‌سکو در دستور قرار د اد.

عدم‌ستر سیر و سیه‌بساز و کار هاینهادیو عدم‌امکان‌کار بستدیلم‌اسیدو جانب‌فعالبر ای‌اعمال‌تو آثیر بر تصمیم‌ساز یا آمر یکا و ناتو که خود در ادر مدیر یتر و ندهایبینا‌المللیدار ای‌حقمیدانستند. دلیم همدیگر تأکیدپو تینبر ضرورتو جهبه‌ر و ندهای چندجانبه‌بود. در ایده چندجانبه‌گر انیاو، بر خلاف‌اندیش‌هنظام چندقطبیر بیا کو فکه‌هد فاصلیا‌نبه‌چالش‌کشیدنموقعی‌ت بر تر آمر یکا و نهادهایغر بیبود، بار و یکر دی‌عمل‌گر ای‌انهاو با ه‌دفتو سعه‌اقتصادیبر هم‌گر ایبیاار و پاییز رگتر، عدم‌تقابل، توقمخالفت‌هایبیا حاصل‌باناتو و هم‌کار یبز دیکتر با آمر یکا و متحدان‌انا ز جمله‌ژ این‌تأکیدمیشد.

با این‌ملاحظه، هر چندپو تینبار هابر اهمیت‌تثبیت‌ر و ندهای چندجانبه‌تأکید کرد، اما چندجانبه‌گر ایی او هیچ‌گاهار منفیو نگر ان‌کننده‌ای که در کلا‌ما سلا‌فاو قابل‌مشاهد‌ه‌بود، ر انداشت. بر این‌اساس، یک‌یاز و یژ‌گی- های چندجانبه‌گر انیپو تینتفکی‌کاین‌مفهو‌ماز مفا‌هیم‌تقابل‌گر اییو امر یکاستیز بیبود.

اوباجای‌گزینی « چندجانبه‌گر ایی»<sup>3</sup> به‌جای‌مفهوم «نظام چندقطبی» تلاش کرد مؤلف‌هایر قابتو هم‌کار یدر اید چندجانبه‌گر اییر اجای‌گزین‌عناصر ر قابتو تنشدر اندیشه نظام چندقطبیسازد. در مفهومی چندجانبه‌گر ایی، روسیه‌نقش‌میتبث بر ایخو در مشارکت‌با‌غر بو حنی‌آمر یکا‌تعریف‌میکردو خودر اشریک‌تر تیب‌اتر اهر دی‌بینا‌المللیبه‌ه و یژ‌هدر بار هم‌سائل‌ا‌منیتی‌میدانست. حال‌آن‌که‌مسکو در مفهومی چندقطبی، مجبور بود بر ای‌حفظ‌جای‌گاهو موقعیت‌خودر نظام بینا‌المللا به‌عنوانیک‌قطب‌ه‌زین‌ه‌هایز یادیت‌قبل کند. در هر دو مفهومی نظام چندقطبیو چندجانبه‌گر ایی، تسلطو تثبیت‌نظامتک‌قطبی‌مناف‌عرو سیه‌در عر صه بینا‌المللیر ابا‌چالش‌مو اجه‌میکرد. بالینت‌فاو‌ت‌که‌در فضا‌ی‌چندقطبیا‌ین‌کشور بر ای‌حفظ‌جای‌گاهو جلو‌گیر یاز تثبیت‌نظامتک‌قطبی‌خودر

<sup>3</sup> چندجانبه‌گرایی (multilateralism)

عبارت‌از‌گرایشی‌ه‌این‌که‌مدیریتو ساماندهیمسائل‌بینا‌المللیه‌جای‌این‌که‌ه‌اقدام فر دیکشور‌ها‌متکی‌باشد، بر‌اساس‌اقدام‌مشترک‌شمار‌زیاد‌یاز‌کشور‌ها‌یا‌به‌صور‌تجه‌ان‌ی‌صور‌ت‌گیرد.

ادر تنگنایر قابتو تنشبا قطبیر تر میدید.  
حالآنکهدر فضاچندجانبهگر اییاز طریقهکار بیاسایر قدرتها منافعخود را تأمینو مانعشکلگ  
یرینظامتکقطبیمیشد.

### راهبرد «قدرتبرگمدرنهنجارمند»

روسیهدردور هپساشورویهموار هدر پیاآنبودهتاخود را بهعنوانجانشیناینابر قدرتمعرفیکند  
تلاشاینکشور در اینزمینهکهدردور هایبآمریکادر شر ایطییر ابر،در سراسردنیوادرتاماج  
نیهایسیاسی،اقتصادی،اجتماعی،نظامی،فناوریوایدئولوژیکرقابتمیکرد،طبیعیبنظر  
میرسید. اماواقعیتلخیسرفتهایدوره  
پساز فروپاشی،تلاشبر ابرسیدنمجددبسطحآمریکاراغیر قابلباور،پرهزینهو غیرممکنمید  
نمود.  
از دستدادنموقعیتابر قدرتیافزونبر نخبگان،برایعموم مردمکههمچنانکشور خود را یکباز  
زرگترینقدرتهاجهانمیدانستند،باور نکر دنیبود.

مرور تحولات دوره ریاست جمهوری پوتین حاکی از تعهد او به راهبرد « قدرت  
بزرگ مدرن هنجارمند» به عنوان سازوکار مناسب احیای جایگاه روسیه در  
عرصه بین الملل است. او برای تحقق این هدف، روسیه را به سرعت به تعامل با  
غرب و ترتیبات نوین جهانی  
سوقدادو تلاشکر دبر ایدستیابیبهشناختبهتر از مسائلویافتن سازوکار بیبر ایجستجو مشترک راه  
حل،بهدرکیمشترکباغربدستیابد. اودر همانحال،خود را به حفظ منافع و خصوصیات  
ویژه روسیه نیز متعهد می دانست و به مفهوم « موقعیت قدرت بزرگ »  
بهعنوانجزء اساسیفرهنگور و حروسیها اعتقادداشت.  
پوتینبر اینباور بودکهاینمفهومدر جایگاهیکالگویبایدار تاریخیوفرهنگی،بدونتوجهبهشرای  
طداخلی،بهنوعدرکروسیهاز تحولاتبینالمللیشکلمیدهد.

### عدمقابلهجوبیدرفضا یوا بستگیمتقابل

پوتیندر یافتهبودکهدر شرایطموجودبینالملل،پوشوا بستگیمتقابلگسترش یافته است  
وبایدبر سازگاریتعدیلشد هبینمنافعملیو بینالمللیتأکیدشود. بهاینترتیب،دولتپوتین معتقد به

«وابستگی متقابل مبتنی بر چند جانبه گرایی»<sup>4</sup> در شرایطی از همکاریها و وابستگی متقابل دولت-ملتها بود که بر تعامل مثبت جهت تأمین منافع تأکید دارند. با این ملاحظه، تلاش پوتین آن بود تا در سیاست خارجی خود مفاهم مشترک پیشو ابستگی متقابل را جمل همگونی منافع باز یگر انبوا و اختلاف، لزوم باز ی مثبت، ناتوانی باز یگر انملی به تأمین منفردان همنافعو دفع تهدیدات و وجود مجاری متعدد تعامل امور دنظر قرار دهد.

هدف پوتین تسریع فرآیند نو ساز بی همنظور جبر انپس رفتهایر و سیهاز جایگاه شایسته خود در نظام بین الملل بود. او همکاری، عدم تقابل و تعامل مثبت با همه کشورهای از پیش شرطهای اساسی تحقق این منظور میدانست و بهیچ «راهویژهای» اعتقاد نداشت. بر این اساس، روسیه در تعاملهای خارجی خود به جای باز ی حاصل صفر باز ی یا حاصل منفی را مورد توجه قرار داده و به جای یکایده خاص، بر رویکردی ترکیبی متشکل از عناصر مثبت ایده های مختلف تأکید می کرد. (Dmitri, 2004,

29)

پوتین به خوبی میداند که نو ساز سیاسی، اقتصاد و اجتماعیکه هدف همسایگان خود را و بنا بر د، تنهادر سایه تعامل مثبت و نه رویارویی قابل تحقق می یافت.

به عقیده پوتین هر چند ممکن بود در خیمر دمونخبگان سیاسی بسیار و یگر دهکار یجویانها و باغ ر بموافقت باشند، اما همچنان که واقعتاً جایگاه محدود روسیه در صهیبنالملل بهتر در کمیشد، به Masha, 2002, هم نامیز اناز علاقمندی آنها به درگیر این صهنیز کاسته می شد (100)

## نتیجه گیری

پوتین با تأکید بر توسعه مفهوم سیاست خارجی جیو امنیتی و سیهها با عا د «سخت» و «نرم» بر این باور بود که هر صتها و تهدیدهای ملی در طیفی وسیع از موضوعها قابل تفکیک است. در دنیا یو ابستگیها متقابل، روابط و سیهها کشور های دیگر میتو انداز تعاملها نیز ماقتصادی تا سد ختنظامیو در وضعیتهای مختلف همسوی بی تضاد قرار گیرد. با این ملاحظه، تلاش تصمیم سازان سیاست خارجی روسیه در دور هیو تینا نبود تا منافع عملی در هر

<sup>4</sup>Interdependence Based on Multilateralism

حوز هخاصبھشيو ھھایمتفاو توبھکار آمدترینو جھممکن بر آورده سازند. آنها باتا کیدبر اصل « شرط بندی روی قوی تر » و استفادھاز موثرترین ابزار ھابر ایتحققاھد افسیاستخار جي، تلاشداشتنددر ھرز مینھخاصبکاشور ھا، نهادھاو ساز مانھا ھمکار یکنندکھدر آنز مینھبیشاز سایر یندر پیشبر دمنافعملیتمر بخشباشد.

بر خیاز تحلیلگر انبر ایتوصیفاینو جھازر ویکر دسیاستخار جیر و سیھاز اصطلاح «گزینشگر یعملگر ایانه» استفادھ کرده و معتقدندیدو اقعگر ایانهبھتجر بھھاییبیشیندر عرصھخار جي، سر خور دگیاز غرب، واقعگرا بیدر ارز یابیمحدو دیتمنابع، تمرکز بر اولویتھا، ر ویکر دغیر ایدئولوژی کدر پیگیر یاهداف، تأکید بر « عزتمندیر و شنبینانه ملی» و توجھد اکثر بھعاملاً قتصاددر حوز ھزار جیمھمتر ینعو املشکلگیر یاینر ویکر ددر سیاستخار جیبونینبودند.

اوبر اساسایناصل، باتا کیدبر ضرور تھمگر اییر و سیھبافر آیندھا یجھانی، بر ایناعتقادبودکھا ینکشور نبایداز ھیچیکاز بخشھایدنیاز جملھار وپاوامر یکاجد اباشد، بلکھر ابطھباغرب، شد ر قوجنوبر ابایدھمز مانوبھعنواناجز اء اینفر آیندمور دتوجھقرار دھد. بھایناعتبار، تصمیمگیر ندگانسیاستخار جیر و سیھدر دور ھپوتیناز بزر گنمایاھدافو ائتلافھا یخار جیبیلندمدتحمایتکرده، بلکھبر عکسدر انتخابش کایخار جیکاملاً انتخابیو گزینشیمعملی کردندتا حداقل جایگاہ خود را بھ عنوان قدرت دوم جھان تثبیت نمایند.

دولتپوتینبر اساساینر ویکر دتلاشکر دبھمباحثسننیدر خصوصانتخابش کایخار جیخاتمھداد ھو اصلکار آمدیطر فتعاملدر تأمینمنافعملیر ابدونتا کیدبر ماھیتانمور دنظر قرار دھد.

پوتینبر اینباور نبودکھ متحدانمسکو تنھادر غرب حضور دارند، بھھمیندلیلر ابطھباغرب ابھن حویدنبالنمیکر دکھمانعبیر ایتوسعھر و ابطاینکشور باسایر کشورھا و مناطق باشد. بھعقید ھویر و سیھنمیتواندیکسیاستخار جیکاملاً غرب گراو یاشرقگرار ادر پیشگیر د، موقعیتژئوپولیتیکیاین کشور بھگونه- ایاستکھمنافعاندر سمتھا یمختلفر ار دار د.

پوتینبر اساساصالتعاملگزینشیتلاشکر ددر سیاستخار جیخو دسیاست «ائتلافساز یگسترده» کھتاحدمکندار اییابھھایمتعددباشدر ادر پیشگر فتھواز اینطر بھقزبنه

ار تقاء جایگاه‌های کشور را کاهش دهد.  
با این‌ملاحظه، مسکو به جای پیگیری مشارکتی اهری دیباغری بیاشرق،  
همکاری با کشورها و طرف‌های «هماندیش» خود از جمله چین و هند در آسیا و آلمان  
و فرانسهدار و یار امور دتاکید قرار داد.  
پوتین میداندست‌کهدر سال‌های آینده آمریکا برتری خود بر جهان را حفظ خواهد کرد، اما بر این باور بود  
که با تقویت قدرت سایر کشورها، تحویل‌دهنده این معادله صورت نخواهد پذیرفت.  
در آن‌شرایطر و سهمیتواند در ترتیباً تنظیم‌امبیناالملل‌بهموقعیت‌بهتر دست‌یابد.  
بر این اساس، مسکو بر ایار تقاء جایگاه‌ها و افزایش نفوذ خود در عرصه بین‌الملل، ایجاد «  
ائتلاف‌های بی‌درس» با هر نهاد و یا کشور کارآمد در دستور قرار داد. این  
رویکرد مبتنی بر سیاست «ابر قدرتی سهل‌الوصول» بود،  
به این معنای که هر وسیله‌ای که به تنهایی یا با افزایش نفوذ جهانی خود در ایبر دازد، مبادرت‌ب‌ایجاد  
ئتلاف‌ها یا قبالا عتماد و موقتبر این تقسیم‌اینه‌زین‌هم‌میکرد تا بتواند شناسایی دیگران را به  
عنوان قدرت دوم جهان به دست آورد.

## منابع

- بخشایشاردستانی، احمد(1388)، **جمهوریاسلامیایرانوبازیگراننظامینالملل**، انتشارات دانشگاهآزاداسلامیواحداهواز.
- "تقابلسیاستخارجیآمریکاوروسیهدرخاورمیانه" (شهریور 1391)، **فصلنامه موسسه مطالعاتاندیشهسازاننور**.
- "روسیهوسیاستخاورمیانهیجدید" (بهمن 1391)، گروهتحقیقتفسیرخبر، سایتخبرگزاریایرنا.
- وحیدی، موسی الرضا(تابستان 1379)، "پوتین و تصویر آینده روسیه"، **فصلنامه مطالعات آسیایمرکزیوقفقاز**، شماره 30.
- کولایی، اله\_\_\_\_\_ه\_\_\_\_\_ (تابس\_\_\_\_\_تان 1376)،  
"تحولدرسیاستخاورمیانهایروسیه"، **فصلنامه مطالعات آسیایمرکزیوقفقاز**، شماره 18.
- Aron Leon and Kenneth Jenson (1994), **The Emergence of Russian Foreign Policy**, Washington D.C., U.S. Institute of peace press.
- Balcker, Coit d. (1998), "Russian and the West", in **The New Region Policy**, ed. M. Mandelboum, New York, council on Foreign Relations Books.
- Carpenter, Ted G. (2001), **ATO Enters the 21st Century**, London, FrankCass.
- Dobriansky Paul (winter 2000), "Russian Foreign Policy: Promise or Peril", **the Washington quarterly**.
- Lipman, Masha (December 25, 2002) "Russia's Values", **Washingtonpost**.
- Kyun Woo, Pyung (Spring 2002), "Russian National Interests and Foreign Policy", **Pacific Focus**, Vol. 17, No. 1.
- Mendelson, Sarah (Winter 2002), "U.S- Russian Military Relations: Between Friend andfoe", **The Washington Quarterly**.

- Pushkov, A. (1994), "The Primakov Doctrine and a New European order", **International Affairs** (Moscow), vol. 4.
- The foreign policy concept of the Russian federation approved by V . Putin, **Russia today**, June 28, 2000.
- Trenin, Dmitri (February 25, 2004), "New Tendencies in Russia's foreignpolicy", **Carnegie Endowment for International Peace**.



## **Russian Foreign Policy Approach from 1991 to 2011**

Ahmad Bakhshayesh Ardestani<sup>5</sup>

Professor of Islamic Azad University, Central Tehran Branch

### **Abstract**

Prime Minister of Great Britain Winston Churchill said in 1939 that "I cannot forecast to you the action of Russia. It is a riddle, wrapped in a mystery, inside an enigma". Some of the Iranian political elites consider Russia as an un-reliable ally for Iran which largely overlap that of Churchill spoke in Persian culture. Since the dissolution of Soviet Union in 1990s and the rise of Russia, Moscow has been experiencing three foreign policy orientations: "cooperative approach to the West", "integrated approach to the West" and "look east policy". Indeed, NATO's military intervention in the former Yugoslav and ignoring the interests of Russia lead this country with a new competition in its foreign policy against the Western countries in 1999. This article deals with the Russian foreign policy outlooks to win the West's legitimization as the second great power in the world. Western Countries particularly United States are not interested in recognizing Russia as the world's second great power.

**Key Words:** Russia, Putin, Integrated Approach to the West, Look East policy, New Cooperation

---

<sup>5</sup>Email: [bakhshayesh@yahoo.com](mailto:bakhshayesh@yahoo.com)